پنجمین سالگرد علی اردلان

مجتهدی، سید حسین

با آرزوی توفیق برای شما که در این‏ «قحط سال دمشقی»و«تاراج خزانی قلم و اندیشه»احیاگر تلاش تحسین‏برانگیز در وادی فرهنگ این مرزوبوم با دغدغه‏ی‏ منافع ملی و آرمان‏های این ملت،گردیده‏اید. عرضه می‏دارم که بهمن‏ماه 83،پنجمین‏ سالگرد درگذشت شادروان علی اردلان، اولین وزیر اقتصاد و دارایی دولت جمهوری‏ اسلامی ایران است.زنده یاد اردلان بی‏شک‏ براساس کارنامه‏ی عملکردش و تحلیل‏ صاحب‏نظران،از موفق‏ترین وزیران اقتصاد و دارایی و مالیه در قیاس با عملکرد قبل و بعدی این وزارت‏خانه و نیز سایر وزارت‏خانه‏ها بوده است.متن سخنرانی‏ ایشان در اجلاسیه‏ی مشترک صندوق‏ بین المللی پول و بانک جهانی در اکتبر 1979 در بلگراد نیز پیوست است که‏ امیدوارم چاپ فرمایید.

بهمن‏ماه 83،هم‏چنین سومین سالگرد درگذشت شادروان محمد علی سفری‏ می‏باشد.آخرین مصاحبه با ایشان همراه‏ مقدمه‏یی کوتاه پیرامون زندگانی ایشان نیز به پیوست است که امیدوارم بتوانید آن را نیز در ماهنامه‏ی حافظ چاپ فرمایید.

زندگی‏نامه‏ی خود نوشت علی‏ اردلان

«پس از واقعه‏ی شوم شهریور 1320... با عده‏یی از دوستانی که در دانشکده‏ی‏ حقوق بودیم،به نشر اعلامیه(شب‏نامه) پرداختیم...شب 12 آبان 1320،مأموران‏ کلانتری...مرا با یکی از دوستان افسر را که‏ منزل من بود،توقیف نمودند...روزنامه‏ی‏ آزادگان...وسیله‏ی نشر افکار دوستان ملی‏ بود...غائله‏ی آذربایجان...محرّک بیش‏تر ملّیون برای همبستگی در راه استقلال‏ مملکت گردید...پس از کودتای 28 مرداد، مبارزه را رها نکرده و در نهضت مقاومت‏ ملی و هم‏چنین حزب ایران شدیدا فعالیت را ادامه دادیم و در جمع‏آوری سازمان‏ متلاشی شده‏ی حزب ایران و تشکیل‏ جلسات و انجام مبارزات به‏طور مخفی و دور از خانه و زندگی مشغول بودیم.

روزنامه‏ی صرصر که اولین نشریه‏ی‏ ملّیون پس از کودتا بود،از 15 مهر تا 16 آذر 1332 را با یاری و فداکاری مبارزان‏ حزب ایران و هم‏فکران ملی منتشر کردم. بیش‏تر از چند روزی نگذشته بود که به‏ خانه‏ام ریختند و برای همسر و دو فرزندم‏ ناراحتی به وجود آوردند،کلیه‏ی اسناد و مدارک را بردند.برای ایجاد مرکزی جهت‏ اجتماع و ارتباط دوستان و هم‏فکران،به‏ تأسیس شرکت تعاونی«جاوید»پرداختیم و محل فروشگاه را(واقع در انتهای خیابان‏ شاه‏آباد،اول میدان بهارستان)،مرکز ارتباط قرار دادیم.

دو کنگره‏ی حزب ایران پس از کودتا- در سال‏های 1334 و 1335-در خانه‏ی من‏ (واقع در زرگنده)تشکیل گردید.در انتخابات‏ دوره‏ی بیستم مجلس شورای ملی(دوره‏ی‏ تابستانی 1339)شرکت کردم،درحالی‏که‏ ندانسته دکتر اقبال از طرف حزب ملّیون‏ به عنوان شاخصین شهرستان‏ها(از تویسرکان)مرا کاندیدا کرد و اعلام کردم‏ که عضویت در آن حزب را ندارم،ولی‏ به منظور مبارزه شرکت کردم و به محل‏ رفتم که استقبال پرشور و کم‏نظیر مردم‏ موجب جلوگیری از انتخابات شد.در انتخابات زمستان 1339،بدون آن‏که کاندیدا شوم و به محلی بروم،مردم چنان فعالیت‏ بارزی کردند که منجر به غارت شهر از طرف رعایای رقیب انتخاباتی(علی اکبر جلیلوند)و قتل یک نفر و مجروح و متواری شدن عده‏یی شد.

در تیرماه 1339،جبهه‏ی ملی دوم‏ اعلام موجودیت کرد.با دوستان به فعالیت‏ پرداختم و سازمان کارمندان دولت را تشکیل‏ دادم و در آذرماه 1341،به عنوان منتخب‏ کارمندان دولت،به عضویت شورای مرکزی‏ انتخاب شدم.به علت مخالفت جبهه‏ی ملی‏ با انقلاب شاه و مردم(بهمن 1341)که‏ منجر به توقیف تعداد زیادی از سران و فعالین جبهه‏ی ملی(در حدود 150 نفر)شد. از روز نهم بهمن،هشت نفر(آقایان‏ ابو الفضل قاسمی و ذو القدر و گیتی‏بین و میر محمد صادقی و حسینی و ثنایی و گلزار و بنده)زندانی شدیم که به تفاوت از پنج تا هشت ماه به طول انجامید.

از سال 1356 به فعالیت با دوستان‏ پرداختیم که تا تشکیل مجدد جبهه‏ی ملی‏ (تیرماه 1357)و بالاخره با تحقق انقلاب در بهمن 1357 شرکت من در دولت موقف‏ ادامه یافت...در سوم شهریور 1360...مرا به‏ کمیته‏ی مشترک...بردند.بعد از 35 روز...به‏ زندان و دادستانی انقلاب...فرستاده شدم... پس از دو هفته...به بند 209 گسیل شدم... حکم محکومیت را برای هفت سال صادر کرده بودند...روز 6 اسفند 61 مرا به اوین‏ منتقل کردند...روز 28 اسفند 62...آزاد گردیدم.»